

م. ع. اطرافي

پيش آمد و پيامد هاي کنفرانس پيمان ناتودر شهر لوزين پایتخت پرتغال

صعود سرسام آور بهاي نفت و گاز در دهه اخير قريبيستم و آغاز قرن بيست و يکم بحران عميقي را در کشورهاي سرمايه داري غرب بوجود آورد که با گذشت زمان عميق تر شده رفت. براي بيرون رفت از بحران، شرکت هاي فرامليني و کارپريشن هاي بحران زده با يکديگر مدغم شده رفتند تا از مصارف شان بکاهند و شرکت هاي شان را از سقوط نجات بدهند که بحران ديگر بيکاري را در کشور هاي شان موجب گرديدند. امريکا که از معرکه جنگ سرد بحیث يگانه ابر قدرت جهان قد راست کرده بود و حريف تاريخي خود اتحاد جماهیر شوروي را با قرباني هاي بزرگ افغانها متلاشي ساخته بود با اعلام نظم نوين جهاني به حیث يگانه ابر قدرت جهان به اخذ تصاميم يکجانبه و مستقلانه در جهان مبادرت کرد. در دوران رياست جمهوري آقای جورج دبليو بوش بود که حادثه يازدهم سپتامبر رخ داد. آقای بوش به مردم امريکا و جهان تعهد سپرد که مرتکبين حادثه يازدهم سپتمبر را دستگیر و به سزاي اعمال شان ميرساند. در حمله نظامي امريکا به افغانستان اهداف تاکتيکي مبارزه با تروريزم و اهداف ستراتيکي تمديد پايپ لاین هاي نفت و گاز از ترکمنستان و ساير کشورهاي آسیاي ميانه از طريق افغانستان به سمت شرق طرح ريزي شده بود. اما امريکا و ناتو تا بحال در هردو پلان تاکتيکي و ستراتيکي شان به ناکامي مواجه شده است. حصول اهداف ستراتيکي نفت و گاز براي امريکا و ناتو ديگر ناممکن شده است. زيرا مالکين ذخاير نفت و گاز در اطراف بحيره خزر بين خود شان با هم متحد شده اند و از ذخاير مذکور متحداً و مشترکاً بهره برداري و دفاع مينمايند.

در اعلاميه مشترک افغانستان و پيمان ناتو واضح نشده که فعاليت هاي نظامي ناتو فراتر از سال ۱۳۰۲ به چه منظور ادامه ميابد. به منظور جبران شکست هاي هشت ساله نظامي امريکا و ناتو و يا کدام اهداف افشاء نشده ديگري را احتوا ميکند. تحليل گران امور سياسي چنين اظهار عقیده ميکنند که پيشرفت هاي سريع اقتصادي در کشورهاي آسيايي و

روسیه و ایجاد کمپ شانغای توازن نظامی و اقتصادی جهان را متعادل ساخته است. که چهارکشور اتمی، هند، چین، روسیه و پاکستان در کمپ شانغای گرد آمده اند و چهار کشور اتمی، آمریکا، فرانسه، انگلستان و اسرائیل در پیمان ناتو منافع مشترک شان را دارند. که از نظر قدرت اتمی و پیشرفت های اقتصادی، جهان به دو قطب متساوی عرض اندام کرده است. پیشرفت های سریع اقتصادی چین، هند، روسیه و ایران مایه نگرانی غرب بخصوص آمریکا و پیمان ناتو شده است.

رقبای اقتصادی و نظامی شرق و غرب به دیپلماسی های گرم و داغ در آسیا متصل شده اند که اثرات آن در سفر آقای اوباما به هند و اندونیزیا و تغییر موضع روسیه در قبال پیمان ناتو و موافقت روسیه در ایجاد پایگاه دفع راکتی بمشاهده می رسد که در کنفرانس لزبن منعکس گردید. چنین دیپلماسی های فعال کمپ شانغای و پیمان ناتو در آسیا و بخصوص در شرق میانه که با تهدیدات و امتیاز دادن ها همراه می باشد، هدف آن خنثی ساختن نقش یکدیگر در آسیا و بخصوص در شرق میانه می باشد که براه انداخته شده است. اگر این دیپلماسی های فعال موازنه قدرت را در منطقه و جهان برهم بزند به بحران و صف آرای های تازه منتج می شود که حل بحران منطقه و جهان را از طریق دیپلماسی و مسالمت آمیز منتفی می سازد. تحریکات تمثیل قدرت و مانورهای نظامی جای دیپلماسی را میگیرد، امنیت و صلح منطقه و جهانرا به تهدید و بمخاطره میکشاند. که عواقب آن زمینه ساز جنگهای منطقوی خواهد شد. با همه تلاش هایکه بخرچ داده شده، آمریکا و ناتو در يك موقف حساس قرار دارند که حمایت مردم افغانستان و منطقه را از دست داده و چانس پیروزی شان در راه حل نظامی هر روز محدود تر شده می رود. زیرا قوای آمریکا و ناتو در جنگ با مردم درگیر شده و جنگ با مردم هر نوع چانس پیروزی و امکان پیشرفت را دشوارتر می سازد. از جانب دیگر راه های اکمالاتی، ترانزیتی و انتقالی قوای نظامی آمریکا و ناتو گاهگاهی در پاکستان و افغانستان در محاصره و حملات مخالفین قرار میگیرد و آتش زده می شود که به مشکلات عدیده آمریکا و ناتو افزوده است. کلید اکمالات و انتقالات نظامی

امریکا و ناتو در دست روس ها میباشد که امریکا و ناتو محتاج و مدیون روسیه شده اند. واضح است که ادامه جنگ تلفات بیشتری را به عساکر قوای خارجی و مردم افغانستان تحمیل می نماید، که مخالفت مردم افغانستان و منطقه با حضور نظامی امریکا و ناتو در افغانستان بیشتر شده میرود. سرانجام امریکا و ناتو افغانستان را مانند شوروی با سرافکندگی ترک خواهند کرد. اینطور معلوم میشود که تا هنوز امریکا و ناتو موقعیت حساس، داغ و ستراتیژیک افغانستان و منطقه را درست درک نکرده اند و بالای حل نظامی پافشاری مینمایند. مردم افغانستان از جنگهای موهوم و زرگری به تنگ و ستوه آمده اند، آشتی و صلح میخواهند نه جنگ. ادامه جنگ با منافع ملی افغانستان و اهداف ستراتیژیک امریکا و ناتو در تناقض و تضاد کامل قرار دارد که این امر پیروزی امریکا و ناتو را در جنگ های گوریلابی و چریکی غیرقابل حصول میسازد. تا زمانیکه امریکا و ناتو ستراتیژی و عملکرد های شانرا با منافع ملی افغانستان هم آهنگ نسازند مردم افغانستان آنها را بحیث اشغال گران میدانند. و در برخورد با اشغال گران مردم افغانستان تجارب دیرینه تاریخی دارند. در برنامه نظم نوین جهانی امریکا، خصوصی سازی و بازار آزاد (گلوبالی زیشن) نیز شامل بود، تا از ظهور دوباره سوسیالیسم و کمونیسم برای همیشه جلوگیری کرده باشد و شرکت های کشورهای پیشرفته سرمایه داری در جهان دست آزاد پیدا کنند که روابط، مناسبات و فعالیت های اقتصادی و تجارتي شان را با همه کشور های جهان بدون موانع حقوقی و قانونی تنظیم نمایند. جریانات بعدی طوری انکشاف کرد که امریکا بالای افغانستان و عراق حمله نظامی کرد و به دولت طالبان سقوط داده شد. در مدت هشت سال اشغال افغانستان امریکا و ناتو نتوانست و یا نخواست که اوضاع جنگی رادر افغانستان به نفع صلح تغییر بدهند. طالبان دوباره سازمان داده شدند که با قوای داخلی و خارجی در افغانستان میجنگند و جنگ در افغانستان در ظاهر امر به بنبست کشانیده شده است. در این دورانیکه امریکا و کشور های عضو ناتو مصروف جنگ در افغانستان و عراق بودند و هستند روسیه، چین، هند، ایران، اندونیزیا و برازیل و بعضی کشورهای

دیگر در بخش‌های مختلف علمی، تکنیکی و بخصوص اقتصادی به پیشرفت‌های ملموسی نایل گردیدند که جهان يك قطبي را به جهان چند قطبي به چالش کشانیده اند. کشور هند، چین و بعضی کشور های دیگر آسیایي از رشد و ثبات اقتصادی بهتری برخوردار گردیدند. از خصوصي سازي و بازار آزاد، شرکت های منطقوي، شرکت ها و صنایع متوسط در آسیا، افریقا و امریکای لاتین بیشتر مستفید شدند تا شرکت های بزرگ بلیون دلری و تریلیو دلری غرب. کشور های چین و هند که تمدن تاریخی بیش از پنجهزارساله دارند و تعداد نفوس شان از يك میلیارد و يك میلیارد و سه صد هزار نفر تجاوز میکند همه امکانات و ظرفیت های پیشرفت علمی، تکنیکی و اقتصادی را کسب کرده اند و از نظامها و ادارات با نظم و باثبات و رهبری دسته جمعی برخوردار هستند که با سرعت ممکنه به پیشرفت های شان ادامه میدهند تا محصولات و تولیدات شانرا به قیمت های تمام شد نازلتر و ارزان تر به بازار های جهان عرضه و صادر نمایند. این هدف مشترك هر دو کشور است که برای نفوس عظیم شان شرایط لازم زندگی و کار را فراهم میسازند. ثبات و پیشرفت های سریع اقتصادی هند و چین، شرکت های غربی را نگران ساخته است که از لحاظ قیمت با تولیدات و فرآورده های صنعتی، خدماتی و فرهنگی هند و چین رقابت کرده نمیتوانند. بازار های خرید مواد خام و فروش تولیدات صنعتی شانرا در سطح منطقه و جهان روز تا روز از دست داده میروند که سبب بحران اقتصادی در کشور های غربی شده است. سفر اخیر آقای اوپاما به هند و اندونیزیا و تأکید روابط دوستانه امریکا با این دو کشور آسیایي بخصوص دوستی ستراتژیک با هند و وعده سپردن در محضر پارلمان هند که امریکا از شمولیت هند بحیث عضو دائمی در شورای امنیت پیشنهاد و حمایت خواهد کرد با استقبال گرم و کف زدن های اعضای پارلمان هند بدرقه شد. این سفر اوپاما نمایانگر این حقیقت است که کشور هند، چین و اندونیزیا و تمدن آسیا بار دیگر بسوی پیشرفت و ترقی گامهای سریع برمیدارند و در مرکز توجه جهانیان بخصوص امریکا قرار گرفته است. اشتراك فعال روسیه در کنفرانس پیمان ناتو در لوزبن پایتخت پرتغال و

توافق روسیه در ایجاد پایگاه ستراتژیک دفاع راکتی در منطقه، توازن و بیلانس قوای نظامی را در منطقه آسیا برهم میزند و سبب نگرانی بیشتر کشورهای آسیایی بخصوص کشورهای عضو کمپ شنغای شده است. دو تربوز کمپ شنغای و پیمان ناتو را در یک دست گرفتن، روسیه را در حالت ابهام، شک و تردید و دو راهی قرار داده است. بعضی کارشناسان توافقات و تصامیم کنفرانس پیمان ناتو در لوزین و ایجاد پایگاه ضد راکتی را در منطقه، نقطه عطف در مناسبات شرق و غرب میدانند که این فعالیت ها و توافقات را کشورهای آسیا بمثابه بازگشت به اوضاع دوران استعمار کهن و به بازی بزرگ مشابه آن وقت می پندارند. در سطر اول اعلامیه مشترک دولت افغانستان و پیمان ناتو منعقد لوزین چنین آمده است **" با درک اینکه تأمین ثبات و رفاه در افغانستان در واقع برای تأمین امنیت منطقه مربوط به اتلانتیک شمالی از اهمیت ستراتژیک برخوردار است."** موجب نگرانی بیشتر کشورهای آسیایی شده است. هند و چین از رهبری جمعی و درایت کامل سیاسی و ثبات برخوردار هستند. منافع ستراتژیک هر دو کشور در تفاهم و اتحاد کشورهای آسیایی نهفته است. مردم آسیا دوره های تاریک استعمار کهن را فراموش نکرده اند که بار دیگر فریب بخورند. کشورهای آسیایی با سرعت لازم بسوی پیشرفت و ترقی به پیش میروند و جایگاه تاریخی تمدن شرق را دوباره احیا و اشغال مینمایند. در چنین اوضاع و حالات منطقه و جهان، حضور دایمی پیمان ناتو در افغانستان خطرات و جرعه های برخورد نظامی و وقوع جنگ سوم جهانی را محتمل می سازد.

فیصله های کنفرانس لوزین در باره افغانستان و خروج عساکر خارجی از افغانستان مبهم و تاریک نگاشته شده که در بعضی کلمات، جملات و اهداف اعلامیه مشترک مطالب ضد و نقیض مشاهده میشود. عقد قرارداد ستراتژیک ناتو و افغانستان به ادامه حضور قوای ناتو در افغانستان فرا تر از سال ۱۳۰۲ تأکید و تأیید مینماید. تربیه پیاده نظام افغانستان که حیثیت پیاده های شطرنج نظامی را دارند تا سال ۱۳۰۲ به دوصد پنجاه هزار نفر ارتقا داده خواهد شد. و در این مدت روند انتقال امور امنیتی و دفاعی به اردوی افغانستان تسلیم

داده میشود. اعلامیه مذکور مؤید این حقیقت است که جنگ در افغانستان سالهای متمادی ادامه خواهد یافت. ظرفیت جنگی اردوی زمینی افغانستان تا حدی ارتقا داده خواهد شد که جای پیاده نظام امریکا و ناتو را در جنگ های زمینی اشغال و جنگهای زمینی را بعهده اردوی افغانستان واگذار نمایند. و اردوی خارجی در زمره سواره های نظام جنگی ارتقا خواهند کرد. در باره سواره نظام افغانستان که مستلزم تجهیزات نظامی زمینی و هوایی میباشد موضوع گنگ گذاشته شده هیچ تذکری بعمل نیامده که در این چهار سال چه نوع تجهیزات زمینی و هوایی در اختیار اردوی افغانستان گذاشته میشود. تریه دو صد و پنجاه هزار پیاده نظام و انتقال امور جنگی و امنیتی به اردوی افغانستان بعد از سال ۲۰۱۳ در قدم اول ادامه جنگ را برای سالیان متمادی تأیید مینماید که مردم افغانستان امید وار صلح نباشند. در قدم دوم پیاده نظام افغانستان را در صف اول جنگ زمینی تحمیلی سوق مینمایند تا تلفات را عساکر افغانی متحمل شوند و از تلفات عساکر خارجی جلوگیری کرده باشند. قوای خارجی بحیث سواره نظام عملیات های توپ، تانک، راکت و بمباران هوایی را بعهده میگیرند. که در اینصورت تلفات مردم ملکی باز هم از پیش کرده بیشتر خواهد شد. در کنفرانس مطبوعاتی، آقای کرزی اظهار داشت که افغانستان استقلال عمل خود را دارد. اگر امریکا و ناتو به ما تجهیزات پیشرفته زمینی و هوایی ندهد ما از دیگر مراجع آن را بدست میآوریم. در صورتیکه آقای کرزی استقلال عمل خود را دارد چرا شرط و شرایط خود را در باره اكمال تجهیزات اردوی افغانستان به سلاحهای پیشرفته زمینی و هوایی در متن قرارداد ستراتژیک نگانید تا امریکا و ناتو مکلفیت حقوقی و قانونی پیدا میکردند. و تا سال ۲۰۱۳ به امریکا و ناتو وقت داده میشد، که اگر تسلیحات مطلوبه مورد نیاز افغانستان را بوقت و زمان آن تحویل ندهند قرارداد ستراتژیک در ختم سال ۲۰۱۳ خود بخود فسخ میگردد.

در اعلامیه مشترک افغانستان و ناتو هیچ گونه پروگرام، برنامه و پلان تأمین صلح طرح ریزی نشده و ذکر نگردیده است. میگویند که پهلوان زنده خوش است. رئیس جمهور

افغانستان هم خوش است که پیمان ناتو ما را از تعرض همسایه ها دفاع مینماید. واقعیت این است که قوای خارجی در پی منافع خود هستند نه از افغانستان. مشکل اساسی در همینجا نهفته است که فاصله را بین مردم افغانستان و قوای خارجی عمیق تر ساخته است. اگر منظور کرزی صاحب دفاع از دولت متبوعه خود شان باشد، اعتراضی باقی نمی ماند. زیرا هرزمانیکه قوای خارجی افغانستان را ترک نمایند، دولت فعلی یک روز هم دوام کرده نمیتواند و همه مهره های بلند رتبه دولت که به فساد اداری و اختلاس متهم هستند فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد و کشور را ترک خواهند کرد.

یگانه راه بیرون رفت از این بحران و ختم جنگ و خون ریزی در قدم اول به تفاهم، تصمیم و اتحاد ملی بین افغانی نیاز است، که یک نیرو و قدرت ملی را ایجاد نمایند و در اثناء خروج قوای خارجی از افغانستان خلی قدرت را پر کرده از جنگهای ذات البینی بخاطر کسب قدرت جلوگیری کرده بتوانند. در قدم دوم تفاهم قدرت های منطقوی و جهانی و انتخاب راه صلح آمیز میباشد که افغانستان را منطقه صلح و دوستی اعلام نمایند. عدم مداخله در امور افغانستان تضمین شود و زمینه برای همه کشورهای جهان در افغانستان و منطقه فراهم شود که در رقابت های سالم و صلح آمیز به فعالیت های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، تخنیک، سرمایه گذاری و استخراج معادن مبادرت نمایند. این راه صلح، عدالت و دوستی است. اگر اهداف ستراتیژیک آمریکا و ناتو واضح و روشن باشد و با منافع افغانستان هم آهنگ ساخته شود و اگر تربیه سواره نظام افغانستان همزمان با تربیه پیاده نظام افغانستان با وسایل عصری زمینی و هوایی تجهیز و تربیه شوند و در جهت صلح و امنیت در افغانستان کار شود، داری های افغانستان از دستبرد و غارت حفاظت شود و یک اداره سالم، شفاف، دولت کارفهم و صادق روی کار آید، پروگرام عودت مهاجرین افغان از ایران و پاکستان طرح و زمینه اسکان مجدد شان در محلات قبلی فراهم شود، همه سوء تفاهمات و شک و تردید هادر باره اهداف ستراتیژیک آمریکا و ناتو رفع و برطرف میشود. بین مردم افغانستان و آمریکا و ناتو فصل جدید اعتماد، دوستی و همکاری آغاز خواهد شد که به نفع جانبین

میباشد. راه جنگ های تحمیلی را افغانها در مدت سی سال طی کرده که بیا مد آن برای کشور و مردم ما فاجعه آمیز بوده و است. امروز مردم افغانستان میخواهند در امر صلح، دوستی، همکاری و همزیستی مسالمت آمیز با همه ملل جهان یکجا شریک و متحد شوند و نگذارند که جنگ افروزان، کره زیبا و زندگی بخش زمین را که حیثیت مادر طبیعی همه زنده جانان را دارد با تهدید استعمال بمهای کشتار جمعی و ویرانگر اتمی مرام های شوم شان را بالای نسل بشر تحمیل نمایند. جهانیان باید به **صدای صلح مردم افغانستان لیبیک** **بگویند**. باید این امر را همه جهانیان بدانند که در ادامه جنگ در افغانستان هر قدرت زیدخل بشمول خود افغانها که تلفات زیادی را متحمل خواهند شد، بازنده میشوند. باید پروگرام ها و شعارها ی جنگ به پروگرام ها و شعارهای صلح، دوستی، همکاری و همزیستی مسالمت آمیز در افغانستان، منطقه و جهان تبدیل شود. نیرو و اتحاد مردم است که در برابر جنگ افروزان مانند صخره ایستاده میشوند و مانع جنایات شان میگردند. برای ادامه جنگ فعالیت ها ادامه دارد. صلح خود بخود تأمین نمیشود برای صلح هم باید کار شود تا تناسب قوا به نفع صلح تغییر یابد و جنگ متوقف ساخته شود.